

وہ چه شیرین است در راه یک عشق چنانہ مردن ...

میینا
۱۵ ساله از
شهر بم



همیاری زندگی ساز

هر بار که دست یاری به سوی بنیاد دراز می‌کنید، دنیای یک کودک رنگ تازه‌ای می‌گیرد. چه در خرید لوازم‌التحریر، چه در تأمین هزینه‌های درمان یا حتی در برنامه‌های کوچکی که برای پرورش خلاقیت بچه‌ها اجرا می‌کنیم، ردّ محبت شما پیداست.

در این سه ماه، کمک‌های شما نه تنها مشکلات روزمره‌ی دانش‌آموزان رو سبک‌تر کرد، بلکه دل‌هاشون رو به آینده امیدوارتر ساخت. شما فراتر از یک همیار هستید؛ شما الهام‌بخش نسلی هستید که باور کرده می‌شه با همدلی، آینده‌ای روشن‌تر ساخت.

جایی که امیدزنده ماند *

سه ماه گذشته، برای ما یادآور این بود که هر حرکت کوچک شما چه تأثیر بزرگی بر زندگی یک کودک دارد. پیام‌های پر از محبت، کمک‌های مالی و حتی دلگرمی‌های ساده‌تان تبدیل شد به نیرویی که روزهای سخت را برای بچه‌ها آسان‌تر کرد.

در این مدت، بیش از هزار دانش‌آموز با استعداد، همچنان از بورسیه تحصیلی بهره‌مند شدند و با حضور شما، خانه‌های کوچک‌شان گرم‌تر و دل‌هایشان امیدوارتر ماند.

شما دلیل لبخندهای واقعی آن‌ها هستید ♥



جمع بندی کمک های ارسالی سه ماهه ی سوم ۲۰۲۵



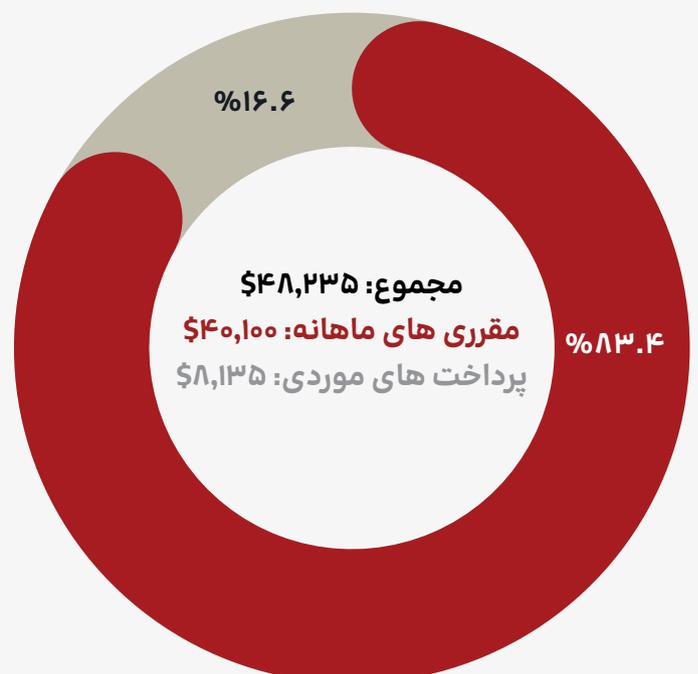
وقتی به سه ماه گذشته نگاه می‌کنیم، چیزی فراتر از یک عدد ساده می‌بینیم. کمک‌های شما همیاران، در مجموع ۴۸,۲۳۵ دلار، به دست ما رسید. اما حقیقت این است که این رقم، تنها یک مبلغ نیست؛ هر دلار از آن تبدیل شد به تکیه‌گاهی برای کودکی که آینده‌اش را می‌سازد.

این پشتیبانی در دو مسیر جریان پیدا کرد:

- حمایت‌های ماهانه که مثل ضربان منظم قلب، آرامش را به زندگی دانش‌آموزان بخشید و سفره‌هایشان را گرم نگه داشت.
- پرداخت‌های ویژه که درست در لحظه‌های حساس، مثل بارانی به موقع، گره‌های بزرگی را باز کرد؛ از هزینه‌های درمانی تا کمپین‌های مختلف و حتی شادی‌های کوچک مثل یک جشن تولد ساده.

پس این اعداد فقط آمار نیستند؛ هرکدام روایتی‌اند از آینده‌ای که به لطف شما روشن‌تر می‌شود.

با هم
توانستیم
۴۸,۲۳۵ بار
امید را
در دل کودکان
شکوفه کنیم...





جمع بندی پرداخت های موردی سه ماهه ی سوم ۲۰۲۵

گاهی یک کمک درست در زمان مناسب، می تواند سرنوشت یک خانواده را تغییر دهد. در این دوره، با همراهی شما همیاران، توانستیم در بزرگراه های مهم کنار کودکان و مادران سرپرست خانوار بایستیم.

از هزینه های درمانی ضروری گرفته تا هدایایی کوچک که شادی را به مناسبت های خاص به خانه ها آورد... هرکدام از این حمایت ها نقش پررنگی در زندگی واقعی بچه ها ایفا کرد.

در مجموع، ۸,۱۳۵ دلار در قالب این پرداخت ها هزینه شد؛ **رقمی که شاید روی کاغذ یک عدد باشد، اما در واقع هزاران بار امید، آرامش و لبخند را به خانواده ها بازگرداند.**

مجموع: \$۸,۱۳۵

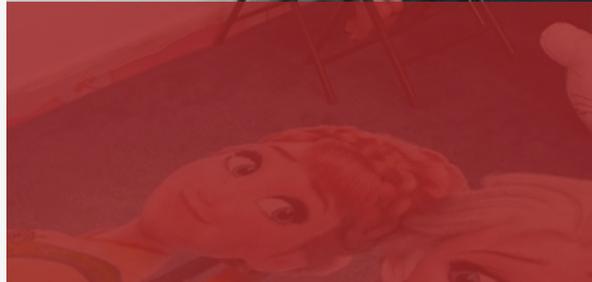
کمپین زنگ مهر

درمان

کمپین بابالنگ دراز

هدایا

رشد و آموزش





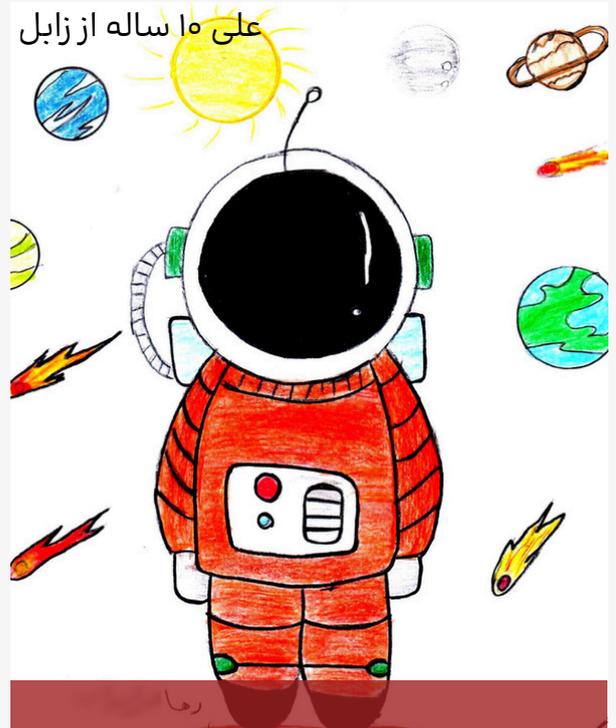
جمع‌بندی اطلاعات دانش آموزان سه ماهه‌ی سوم ۲۰۲۵

این دوره برای بنیاد کودک استرالیا نقطه عطفی بود؛ برای اولین بار شمار دانش‌آموزان تحت حمایت ما از ۱۰۰۰ نفر گذشت و به ۱۱۲۹ دانش‌آموز رسید!

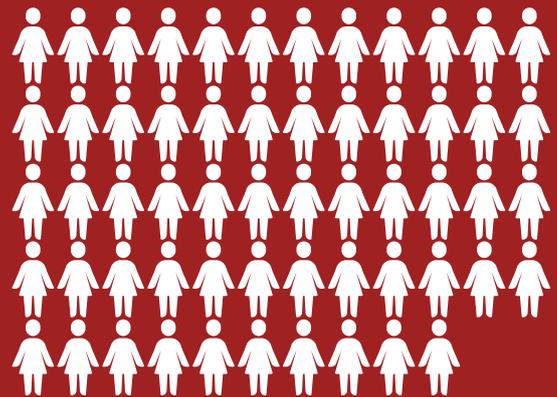
این یعنی هزار کودک و نوجوان که با همراهی شما، امروز به جای دل‌نگرانی، به فردا و رویاهایشان فکر می‌کنند.

حدود ۵۸٪ دختران و ۴۲٪ پسران این جمع بزرگ را تشکیل می‌دهند؛ بچه‌هایی که با همت شما دفتر و کتابشان بسته‌اند و مسیر تحصیلشان روشن‌تر شد. تنها در همین سه ماه، مبلغ ۴۰,۱۰۰ دلار به شکل بورسیه ماهانه به دستشان رسید؛ حمایتی که پشت هر کدامش، امیدی تازه ایستاده است.

رسیدن به بیش از هزار دانش‌آموز، یک مسئولیت اجتماعیست برای همه ما که نشان می‌دهد وقتی دل‌ها کنار هم قرار بگیرند، هیچ رؤیایی دور از دسترس نخواهد بود.



دانش آموزان دختر: ۵۸٪
دانش آموزان پسر: ۴۲٪
مجموع: ۱۱۲۹ دانش‌آموز





خودتون ببینین چه کردین :

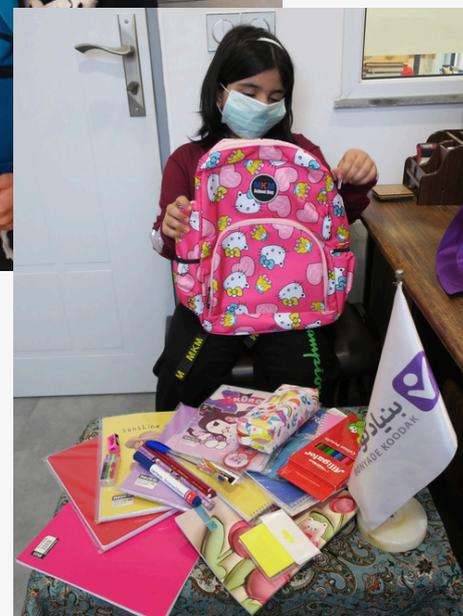
مهتر اول:

کمپین زنگ مهتر

با فرارسیدن ماه مهتر، دفتر استرالیا بار دیگر دست به کار شد تا با برگزاری کمپین «زنگ مهتر»، صدای امید را به گوش کودکانی برساند که چشم‌انتظار مهترانی بودند.

امسال، حامیان عزیزمان در استرالیا نشان دادند که فاصله‌ها نمی‌تواند مانع عشق و همدلی شود. هر کدام با قلبی بزرگ و دستانی سخاوتمند، سهمی در این حرکت داشتند. حاصل این همراهی ارزشمند، جمع‌آوری ۳,۲۵۴ دلار بود؛ مبلغی که به سرعت به تکه‌هایی از امید تبدیل شد.

با این حمایت، توانستیم ۱۱۱ دانش‌آموز با استعداد کم برخوردار را با پک‌های لوازم‌التحریر و مجهز کنیم. هر کوله‌پشتی پر از دفتر و قلم، نه فقط وسیله‌ای برای نوشتن، بلکه چراغی شد برای روشن‌تر کردن مسیر آینده‌ی یک کودک که تا دیروز شرایط برای تحصیل سخت بود.



شاید کیلومترها فاصله میان ایران و استرالیا باشد، اما این حرکت نشان داد که دل‌ها نزدیک‌تر از همیشه‌اند.

روز اول مهتر، وقتی زنگ مدرسه در ایران به صدا درآمد، پژواک آن در دل همه‌ی ما در استرالیا هم پیچید. چرا که این زنگ، تنها آغاز سال تحصیلی نبود؛ صدای پیوندی بود میان انسان‌هایی که باور دارند آینده‌ی بهتر با آموزش و عشق ساخته می‌شود.

از تک‌تک شما همراهان عزیز، صمیمانه و از ته دل سپاسگزاریم. این موفقیت، داستانی است از مهترانی، از باور به آینده، و از قلب‌هایی که در کنار هم ایستادند تا کودکان، سالی تازه را با امید و انگیزه آغاز کنند.



مهر دوم:

کمپین بابا / مامان لنگ دراز

شاید همه مان روزی قصه‌ی «بابالنگ دراز» را شنیده باشیم؛ همان حامی مهربانی که از دور مراقب بود و زندگی یک دختر نوجوان را زیر و رو کرد. امروز، این قصه فقط در کتاب‌ها نیست؛ در بنیاد کودک استرالیا، هر ماه با دست‌های شما مهربان‌ها دوباره زنده می‌شود.

کمپین «بابالنگ دراز» فرصتی شد برای اینکه به کودکانی فکر کنیم که هیچ پشتیبانی ندارند، اما رویاهای بزرگی در دل‌شان زنده است. کودکانی که شاید نام حامی‌شان را هرگز ندانند، اما حضور او را در زندگی‌شان مثل یک ستاره‌ی پنهان احساس می‌کنند.

این ماه هم مثل ماه‌های گذشته، دل‌های بزرگی کنار هم قرار گرفتند و **صد دانش آموز** که در انتظار یک حامی مانده بودند، حالا دیگر تنها نیستند. هر کدام‌شان امروز با خیال راحت‌تری به مدرسه می‌روند و می‌دانند که جایی در دنیا کسی هست که به آینده‌شان باور دارد.

جالب است که گاهی این حامیان نه فقط «بابا لنگ دراز» بلکه «مامان لنگ دراز» هم هستند؛ مادران مهربانی که از دل مشغله‌های روزانه‌شان، باز هم سهمی برای کودکان در نظر می‌گیرند و با قلبی پرمهر، زندگی کودکی را آرام‌تر می‌کنند.

قصه‌ی بابالنگ دراز، قصه‌ی مهربانی‌های بی‌نام است. شاید حامیان خودشان را معرفی نکنند، اما ردّ محبت‌شان برای همیشه در دل یک کودک باقی می‌ماند.

از تک‌تک شما عزیزان، چه «بابا» و چه «مامان لنگ دراز»، صمیمانه سپاسگزاریم. شما باعث شدید که کودکان ما، امروز با شجاعت بیشتری به فردا نگاه می‌کنند.





مهر سوم: درمان

مرسا ۱۳ یازده ساله از مشهد

سلامتی بزرگ‌ترین دارایی هر کودک است. اما گاهی سختی‌های زندگی، هزینه‌های سنگین درمان و نبود امکانات کافی، سایه‌ای بر لبخند بچه‌ها می‌اندازد. اینجاست که دست‌های مهربان شما به یاری می‌آید و دوباره امید را به قلب‌های کوچک برمی‌گرداند.

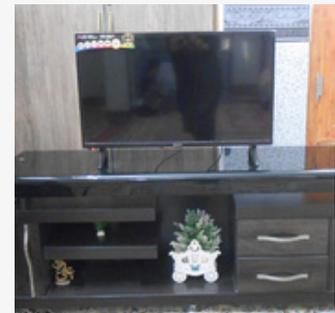
در بنیاد کودک استرالیا، باور داریم هیچ بیماری نباید مانع تحصیل و رشد یک کودک شود. برای همین، در کنار حمایت تحصیلی، در مسیر درمان هم کنار بچه‌ها و خانواده‌هایشان می‌ایستیم. از تأمین دارو و هزینه‌های پزشکی گرفته تا جراحی‌های ضروری و حتی درمان‌های طولانی‌مدت تا هر جا که نیاز باشد...



وقتی مادری با چشمان اشک‌آلود می‌گوید: «اگر شما نبودید، نمی‌دانستم چه کنم»، می‌فهمیم کار شما عزیزان فقط یک کمک مالی نبوده، بلکه مرهمی از جنس عشق و دلگرمی بوده است. باور داریم که درمان فقط بهبود جسم نیست؛ بلکه روشن کردن دوباره امید در دل خانواده‌ای است که روزهای سخت را می‌گذرانند. و شما، همیاران عزیز، قهرمانان پنهانی هستید که این معجزه را ممکن می‌کنید.

هر دستی که برای درمان دراز می‌شود، در حقیقت چراغی را برای فردای یک کودک روشن می‌کند.





مهر چهارم: هدیه تولد و هدایای مختلف

گاهی یک کیف کوچک، دنیایی از امید را در دل یک کودک روشن می‌کند. با آغاز سال تحصیلی، همراهی شما توانست لحظاتی خاص و به یادماندنی برای کودکان بسازد؛ لحظاتی پر از شوق شروعی تازه و دلگرمی برای ادامه‌ی راه.

تصور کنید کودکی که با چشم‌های پر از تردید به فردا نگاه می‌کرد، حالا با دفتر و مدارنگی تازه، با لبخند وارد کلاس می‌شود. یا دانش‌آموزی که وقتی کیفش را باز می‌کند و وسایل نو را می‌بیند، دلش قرص‌تر می‌شود که تنها نیست. این هدایا فراتر از وسیله‌های ساده بودند؛ پیام‌آور عشق، توجه و باور به ارزشمندی وجود آن‌ها بودند.

شما با این هدایا، به کودکان ما یاد دادید که دیده می‌شوند، مهماند و لایق شادی‌اند و این، بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که می‌شود به یک قلب کوچک بخشید.

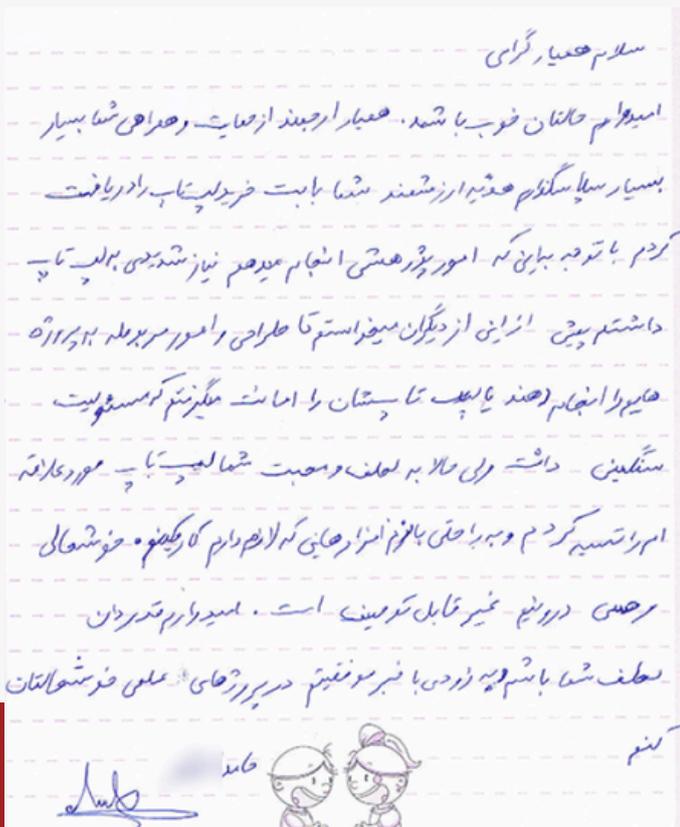




حامد محکم تر قدم برداشت...

حامد عزیز ما یکی از دانش‌آموزان پرتلاش و پیرانژی‌ست. او در دبیرستان انرژی اتمی مشهد درس می‌خواند؛ مدرسه‌ای که ورود به آن آزمون و مصاحبه می‌خواهد و فقط دانش‌آموزان سخت‌کوش می‌توانند در آن جا داشته باشند. حامد با پشتکار همیشگی‌اش نه تنها توانست در این مدرسه بدرخشد، بلکه در مسابقات ملی کارسوق لیزر و پلاسما هم شرکت کرد و با ایده‌های درخشانش، مدال‌های ارزشمندی به دست آورد.

اما در کنار همه‌ی این موفقیت‌ها، یک کمبود جدی همیشه همراهش بود؛ او لپ‌تاپ مناسب برای پژوهش نداشت. با وجود همه‌ی تلاش‌ها، ناچار بود از دستگاه‌های قدیمی قرضی استفاده کند که نمی‌توانستند برنامه‌های تخصصی مورد نیازش را اجرا کنند.



اینجا بود که مهر و همراهی شما همیاران عزیز، یک‌بار دیگر معجزه آفرید. با کمک‌های شما، امروز حامد لپ‌تاپ خودش را دارد. حالا می‌تواند پروژه‌های علمی‌اش را بدون نگرانی دنبال کند، ایده‌هایش را روی صفحه‌ی روشن لپ‌تاپ بنویسد و با امید بیشتری به آینده نگاه کند.



دیدن لبخند حامد وقتی برای اولین بار روی لپ‌تاپ جدیدش کار می‌کرد، برای همه‌ی ما شیرین‌ترین پاداش بود. حامد امروز قوی‌تر از دیروز ایستاده، و این همه به لطف دستان مهربان شماست.



مهر پنجم: رشد و آموزش

کلاس‌های درس، همیشه فقط چهاردیواری پر از نیمکت و تخته نیستند؛ گاهی همان جایی هستند که رویاها جوانه می‌زنند. برای بچه‌های ما، هر کتاب تازه یعنی دریچه‌ای به یک دنیا، و هر کلمه‌ی یادگرفته‌شده یعنی قدمی به سمت آینده‌ای روشن‌تر.

وقتی حمایت‌های شما به دست بچه‌ها می‌رسد، نتیجه‌اش فقط یک کیف یا دفتر نو نیست؛ اعتمادبه‌نفس است. همان لحظه‌ای که کودک با سر بالا وارد کلاس می‌شود و احساس می‌کند «من هم می‌توانم»، همان لحظه‌ای که دست بلند می‌کند تا جواب معلم را بدهد، همان لحظه‌ای که جرئت پیدا می‌کند روی صحنه بیاید و چیزی بخواند... این‌ها همه یعنی آموزش به بار نشسته است.

این روزها در مدرسه‌های کوچک روستاها و شهرها، صدای خنده‌ی بچه‌هایی شنیده می‌شود که پیش‌تر خطر بازماندن از تحصیل تهدیدشان می‌کرد. حالا با حمایت شما، نه تنها سر کلاس‌اند، بلکه با شوق درس می‌خوانند، نقاشی می‌کشند، می‌نویسند و در ذهنشان آینده‌ای متفاوت می‌سازند.

شما با این حمایت‌ها، نه فقط چراغ کلاس‌ها را روشن کردید، بلکه چراغ دل‌های کوچک را هم شعله‌ور ساختید.





این ها صدای لبخند هاست...:

تصور کنید دفترچه ای رو باز می کنید که پر از دست خط های بچه هاست، از لبخند هاشون، از قصه های کوتاهشون.

این صفحه همون دفترچه ست...
پراز صدای قلب های کوچیک:



مهتاب جان:

یه روز به دوستم گفتم: «کاش کسی بود کمک می کرد درس بخونم.» اون خندید و گفت: «شاید یه فرشته داشته باشی!» همون روز نامه ی شما رسید... اون لحظه فهمیدم فرشته ها واقعی ان.

پناه جان:

به مامانم گفتم: «می بینی؟ یه دوست جدید پیدا کردم که حتی اسم رو می دونه!» اون روز مامانم هم گریه کرد، هم خندید.

آرمان جان:

وقتی عکس هامو فرستادم، باور نمی کردم کسی اون طرف دنیا بشینه نگاهشون کنه. حالا هر بار نامه تون رو می خونم، حس می کنم خانواده ام بزرگ تر شده.

مهربان ترین هستین...:

این ها صداهای کوچک اما پر قدرت اند؛ صداهایی که می گویند امید هنوز زنده است. هر نامه، هر کلمه و هر لبخند، نشانی از اثر بزرگ مهربانی شماست:

رسول جان:

سال ها به خاطر سختی ها از درس دور بودم. وقتی شما کنارم ایستادین، دوباره امید گرفتم. حالا با دل قرص به مدرسه می رم و مطمئنم روزی می تونم دکتر بشم.

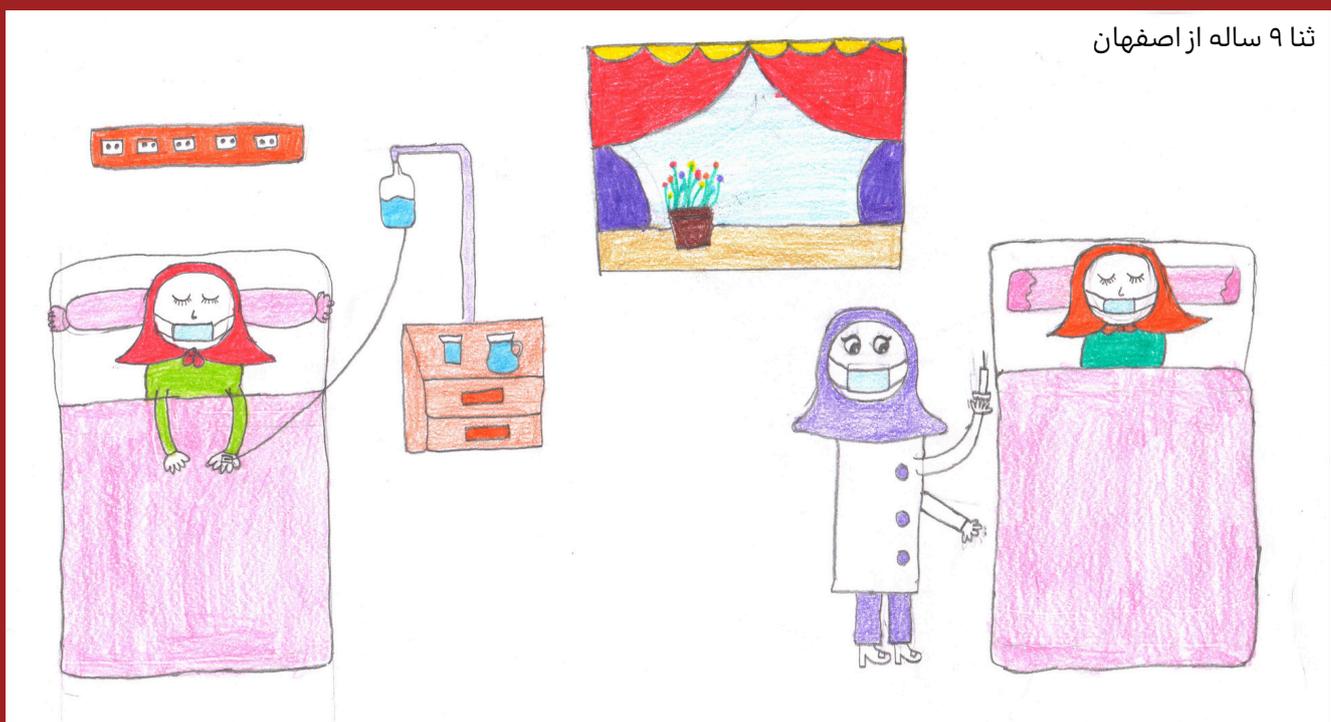
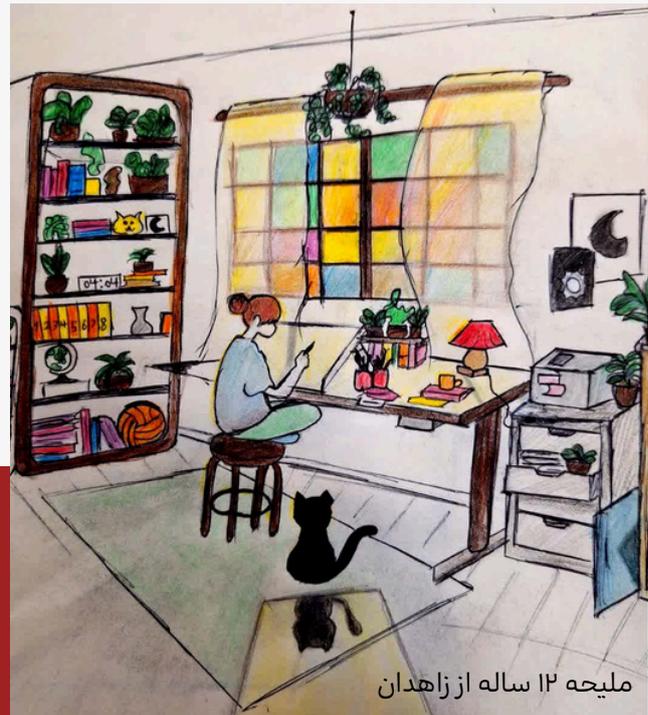
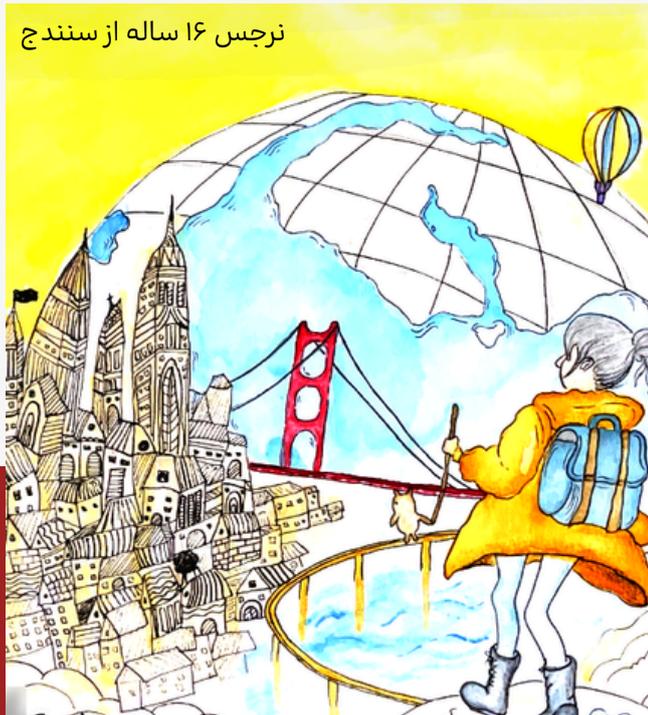
آیدا جان:

باورم نمی شد کسی اون طرف دنیا به یاد من باشه. وقتی نامه تون رو گرفتم، انگار خورشید دوباره به زندگیم تابید. اون روز برای من یکی از قشنگ ترین روزهای دنیا بود.





دعوتید برای دیدن چند تا نقاشی قشنگ دیگه از کودکانمون (:



این صفحه عشق مبینید و بس (:

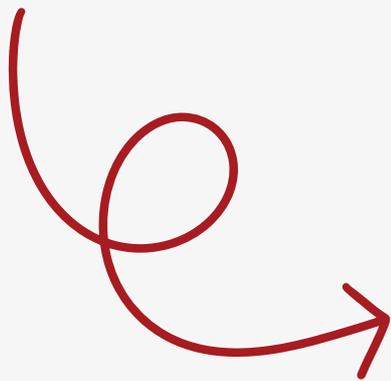
نامه دانش آموز عزیز:

سلام همیار عزیزم
 امیدوارم حالتان خوب باشد و همیشه شاد و سلامت باشید
 خیلی ممنونم که من از اهمیت درس دینی و من و همه بچه های همیار همراهم را
 من خوانم و از اینکه همیشه جوابی حال من هستی و به من دست می و روزی من هم اهدایت
 می دهی به جوری خوشحال می شوم که حال تو صیقل بگردن نیست و این نامه ها و
 بلیط های دینی به من خیلی انگیزه می دهی
 همیار جوم من در مسابقات و روزهای مسابقات سطح شهرستان تمام کلاس من خود را
 کردم و رتبه ها بر من افتاد و من دوست دارم این شادی را با شما همیار عزیزم قسمت
 کنم و دوستان دارم و همیشه دعا برایتان می کنم

از طرفین ایلین

نامه همیار بزرگوار:

سلام ایلین عزیزم
 ممنونم که برای من نامه نوشتی. امیدوارم در مسابقه
 مسابقات موفق باشی و بدرستی تمام
 تلاشت روکن عزیزم بهم انده از تلاش
 خودت راضی باشی. همیشه اس مهمت
 امیدوارم به روزی بوم مسابقه ات رو از من
 بنم دفتر مهربان
 دوستدارم





Child Foundation
Australia

JULY, AUGUST, SEPTEMBER 2025 | QUARTERLY REPORT - Q3

بنیاد کودک استرالیا، همواره در تلاش است تا با حمایت از دانش آموزان با استعداد نیازمند، از ترک تحصیل آنها جلوگیری کند.

اما ما در کنار این موضوع، انتقالِ حالِ خوب به شما همیاران را وظیفه خود میدانیم.

امید داریم با ارائه‌ی این گزارش، رضایت شما را در این زمینه جلب کرده باشیم.



81-83 Campbell Street, Surry Hills, NSW 2010 | info@childfoundation.com.au

www.childfoundation.com.au | [@childfoundation.australia](https://www.instagram.com/childfoundation.australia) | +61 468 864 500